

## درد آتشین به خاطرۀ جاودان

### شهدای سازمان نظامی

### حزب توده ایران

به مناسبت چهل و دومین سالگرد اعدام گروه اول،  
دوم و سوم افسران سازمان نظامی حزب توده ایران

بتوان با خیال آسوده برنامه های دراز مدت تبدیل ایران به «جزیره ثبات» و «ژاندارم» امپریالیسم آمریکا در منطقه را به مرحله اجرا در آورد. مبارزۀ اسطوره ای افسران توده ای در شکنجه گاه ها و در بیدادگاه های نظامی رژیم مزدور کودتای ۲۸ مرداد، یکی از درخشان ترین و پرشور ترین صفحات تاریخ مبارزات فرزندان دلیرمیهن ما در راه حقوق توده های محروم و زجر دیده است. این مبارزۀ غرور آفرین

ادامه در ص ۶

در ۲۷ مهرماه، ۸ آبان، و ۱۷ آبان ۱۳۳۳، سه گروه از افسران دلاور توده ای و بخشی از کارآمدترین کادر ارتش ایران آن روز به فرمان امپریالیست های آمریکا و انگلیس و مزدور داخلی آن رژیم شاه به جوخه های اعدام سپرده شدند تا فریاد آزادی خواهی، و استقلال و عدالت طلبی در کشور ما خاموش شود و امپریالیسم و ارتجاع بتوانند برای دهه ها منابع میهن ما را به غارت ببرند. ارتجاع داخلی و امپریالیسم می دانستند که برای شکست جنبش رهایی بخش مردم ایران نخست می بایست حزب توده ایران، یعنی پیگیرترین مبارز راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را از سر راه برداشت تا

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۹۲، دوره هشتم  
سال سیزدهم، ۱۵ آبان ۱۳۷۵

## بحثی پیرامون تاکتیک

### ها و برنامه گروه

### حجتیه - رسالت برای

### قبضه کردن کامل

### حکومت

با نزدیک تر شدن تاریخ انتخابات ریاست جمهوری، وقعی شدن کنار رفتن رفسنجانی از این مقام، به دنبال سخنان خود او، تور معرکه انتخاباتی رژیم و برخورد میان گروه های گوناگون درون حاکمیت داغ ترمی شود. ورود مجدد «مجمع روحانیون مبارز» به رهبری کروی رییس سابق مجلس به صحنه سیاسی و تقاضای این گروه و بخش های دیگری از گروه های «ائتلاف خط امام» از میرحسین موسوی برای کاندیدا شدن در انتخابات آینده، که او با زرنگی خاصی از قبول آن طفره رفت، از یک سو و تشدید حملات گروه حاکم رسالت - حجتیه («روحانیت مبارز»، «جمعیت مؤتلفه اسلامی») در کنار ورود حوزه های علمیه و «ولی فقیه» به صحنه مبارزۀ انتخاباتی ابعاد وسیعی به برخوردهای کنونی در درون و پیرامون حاکمیت داد که بی شک در ماه های آینده با شدت و حدت بیشتری دنبال خواهد شد.

نمایندگان سرشناس گروه رسالت مانند ناطق نوری، عسگر اولادی، باهنر و

ادامه در ص ۶

## اکتبر و دوران ما

### به مناسبت هفتادونهمین سالروز پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر

گذشته و دست آورد های کسب شده علی رغم عقب گردهای سال های اخیر نشانگر زنده بودن آرمان های اکتبر و نیروی عظیم اجتماعی است که در این راه به پیکار خود ادامه داده و می دهد و در عین حال بیانگر این واقعیت است که تاریخ علی رغم پیچ و خم ها، فراز و نشیب ها به حرکت قانونمند خود به سمت جلو ادامه می دهد و هیچ نیرویی توان متوقف کردن این روند را ندارد.

در سال های اخیر، خصوصاً در پی رویدادهای سال های آغازین دهه اخیر و فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی بسیاری از نظریه پردازان بورژوازی، سوسیال دموکرات ها و گروهی از

ادامه در ص ۳

«من در سیر زندگی دایماً به این نکته اعتقاد راسخ بیشتری یافته ام، که همه طبایع واقماً نیرومند، پس از آنکه در جاده انقلابی پای نهادند، حتی از شکست ها، پیوسته نیرو و قدرت تازه ای به دست می آورند و هرچه در سیلاب تاریخ بیشتر شنا می کنند، قاطع تر و مصمم تر می شوند.» - کارل مارکس

هفتاد و نه سال پیش، در ۷ نوامبر سال ۱۹۱۷، واقعه ای بی مانند در تاریخ زندگی بشریت به وقوع پیوست. در شرایط تسلط کامل سرمایه داری بر جهان، اکتبر ناقوس آغاز دوران جدیدی را در تاریخ بشریت به صدا درآورد و نوید آینده ای را از استعمار و استثمار برای توده های عظیم محروم جهان به ارمغان آورد. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه آروزی مارکس را که می گفت فلاسفه تاکنون جهان را توصیف می کردند و اینک باید دست به کار تغییر آن زنده عملی کرد. معلوم شد که مارکسیسم - لنینیسم نقطه اتکاء و سلاح نیرومند طبقه کارگر و توده های محروم در مبارزه برای تغییر جهان است و روشن شد که مارکس حق داشت که می گفت اندیشه با رخنه در توده ها به نیرو بدل می شود و این نیرو موتور عظیم تحرک و تغییر در تاریخ بشریت است.

با پیروزی انقلاب اکتبر افسانه ازل بودن و ابدی بودن سرمایه داری مانند جبابی ترکید و سیمای جهان معاصر ما به کلی دگرگون شد. بررسی هفتاد و نه سال

### در این شماره

- ۲ ص اظهار نظرهای گوناگون پیرامون انتخابات
- ۲ ص سوده های نجومی «بنیاد»
- ۵ ص تشکیل «کمیته دفاع» در بلژیک
- ۸ ص نقشه های گسترده برای نفت دریای خزر

رژیم «ولایت فقیه» در خدمت صندوق

بین المللی پول در صفحات ۴ و ۵

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## رویدادهای ایران



### میرحسین موسوی از پذیرش کاندیداتوری ریاست جمهوری خودداری کرد

پس از هفته‌ها شایعات و اخبار گوناگون پیرامون کاندیدا شدن میرحسین موسوی از سوی گروهی از نیروهای سیاسی از جمله «مجمع روحانیون مبارز»، وی با انتشار بیانیه مبهم و دوپهلویی در تهران خودداری خود را از قبول کاندیداتوری ریاست جمهوری اعلام کرد. در پی اعلام این خبر گروهی از دانشجویان در تهران اعلام کردند که قصد دارند در هواداری از کاندیداتوری موسوی راه پیمایی کنند و از او می‌خواهند علل واقعی خودداریش را از قبول این مسأله اعلام کند. در هفته‌های اخیر هم جناح طرفداران رفسنجانی (کارگزاران سازندگی) و هم جناح «ائتلاف خط امام» تمایل خود را نسبت به کاندیداتوری موسوی اعلام کرده بودند.

### سودهای نجومی «بنیاد» و مشکلات «مستضعفان»

محسن رفیق دوست، رییس «بنیاد مستضعفان و جانبازان» اخیراً در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که سود خالص این بنیاد در سال گذشته رقمی معادل ۵۰۰ میلیارد ریال بوده است. این درحالی است که به گفته

رفیق دوست، «میزان دارایی‌های فعال این بنیاد در حال حاضر حدود هزار میلیارد ریال است». این ارقام نشان می‌دهد که در سال گذشته، نرخ سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های «بنیاد مستضعفان» رقم نجومی ۵۰ درصد بوده است که در مقایسه با نرخ متوسط سود آوری سرمایه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، از ۳ برابر بیشتر بوده است.

در سمت مقابل، به اذعان محسن رفیق دوست، میزان پرداخت مستمری به جانبازان در همین سال «حداقل ۳۰ و حداکثر ۱۲۰ هزار ریال» بوده است! بدین ترتیب، «بنیاد مستضعفان» به یک بنگاه انحصاری سودآور برای سرمایه‌داران بزرگ بدل شده است که دیگر نه می‌توان آن را یک «بنیاد» دانست و نه، آنطور که ادعا می‌کنند، نقمی از آن عاید «مستضعفان» می‌شود. طبق یک اطلاعیه خبری که اخیراً از سوی «حزب ملت ایران» منتشر شده است، گروهی از بسیجیان معلول جنگ ایران و عراق در اعتراض به این وضع دست به انتشار و پخش اعلامیه‌ای در تهران زده‌اند که طی آن، ضمن اعتراض به نا به سامانی‌های موجود در «بنیاد مستضعفان و جانبازان» و عدم رسیدگی این «بنیاد» به خواسته‌های حقوقی و بهداشتی آنان، از معلولین و جانبازان دعوت شده است که در تاریخ ۲۸ مهرماه در مقابل ساختمان «بنیاد» دست به تحصن بزنند.

### شیوع روزافزون بیماری سل در کشور

در اواسط مهرماه سال جاری، مقامات بهداشتی جمهوری اسلامی اعلام کردند که هر سال حدود ۲۷ هزار نفر به تعداد مبتلایان به سل در کشور افزوده می‌شود. به گفته وزیر بهداشت رژیم، از ۲۷ هزار نفری که هر سال به بیماری سل مبتلا می‌شوند تنها ۵ هزار نفر مورد شناسایی قرار می‌گیرند! براساس به اصطلاح «طرح ملی مبارزه با سل» که اخیراً از سوی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام شده است، قرار است حداقل «۸۵ درصد» [!] از کسانی که

بیماری سل در آنها تشخیص داده می‌شود تحت مداوا قرار گیرند. طرح به اصطلاح «ملی» رژیم در این مورد که ۱۵ درصد بقیه مبتلایان به بیماری سل چه گناهی کرده‌اند که مورد مداوا قرار نمی‌گیرند هیچ توضیحی نداده است!؟

### سطح نازل میانگین تیراژ کتاب در ایران

علیرضا برازش، معاون فرهنگی «وزارت ارشاد اسلامی» رژیم، اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که میانگین تیراژ کتاب در جمهوری اسلامی در حال حاضر ۳ هزار جلد است. او این رقم را «برای کشوری که ۶۰ میلیون جمعیت دارد مایوس‌کننده» خواند. به گفته برازش، «در کشورهایی که یک سوم کشور ما جمعیت دارند، تیراژ ۵۰ هزار جلد یک رقم عادی است». برازش در این مصاحبه پس از «خوب» خواندن قانون مطبوعات و توجیه نظام سانسور کتاب از سوی مسوولان دولتی، از هرگونه توضیح درباره ارتباط میان قانون مطبوعات و سیاست‌های سانسور رژیم با سطح نازل میانگین تیراژ کتاب در کشور قفره رفت.

### اختلاس در سازمان جمع آوری اموال تصرفی

بر اساس گزارش روزنامه کیهان، محاکمه مدیر عامل و هیأت مدیره سابق سازمان جمع آوری اموال تصرفی وزارت اقتصاد و دارایی به اتهام ده‌ها میلیون تومان اختلاس آغاز شد. محسن زاهدی رییس این سازمان متهم شد که ۶۵ میلیون تومان وجه نقدی، ۳۱۲ عدد سکه آزادی، چندین دستگاه اتومبیل، ۱۹ تخته فرش نفیس، ۲۷ هزار دلار پول نقد و چندین فقره دستگاه صوتی، به عنوان رشوه دریافت کرده است.

وی در جریان دادگاه ضمن اقرار به این رشوه‌گیری و اعلام پشیمانی و توبه از کارهایی که کرده است، گفت این مسأله «مشکلی بوده اتفاق افتاده است و اگر حرف بزنم اسم بعضی از مسوولان به میان می‌آید...»

## اظهار نظرهای گوناگون در مورد انتخابات ریاست جمهوری

دیگری که سبب شد تا مجمع روحانیون سکوت پیشه کند، این بود که قضایی پیش از انتخابات ایجاد شد که صلاحیت ۸۰ نفر از افراد شاخص این جناح رد شد. در مورد انتخابات مجلس پنجم... شورای مرکزی مجمع موانعی را که در انتخابات چهارمین دوره وجود داشت مرتفع شده نمی‌دانست و از همین رو از اعلام فهرست اسامی نامزدهای انتخاباتی خودداری کرد... موسوی لاری از سخنگویان همین مجمع ضمن اعلام شرکت مجمع در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری از جمله گفت: «مهمترین مسأله‌ای که الان پیش رو داریم، مسأله انتخابات ریاست جمهوری است که قطعاً مجمع همانند همه تشکل‌های دیگر، این مسأله را از نظر دور نخواهد داشت و با آمادگی لازم با آن برخورد خواهد کرد... وی سپس در مورد تمایل مجمع به کاندیداتوری میرحسین موسوی از جمله گفت: «تقاضا برای نامزدی آقای مهندس میرحسین موسوی یک خواست عمومی و فراگیر در سطح جامعه است... اگر مجمع روحانیون مبارز از آقای مهندس موسوی خواسته است که این تقاضا را نادیده نگیرد در حقیقت به خواسته عمومی مردم عمل کرده است... رییس جمهور باید کسی باشد که تاحدودی از وفای ملی برخوردار باشد و وابستگی به یک جریان خاص نداشته باشد.» (روزنامه سلام - ۲۹ مهرماه ۱۳۷۵).

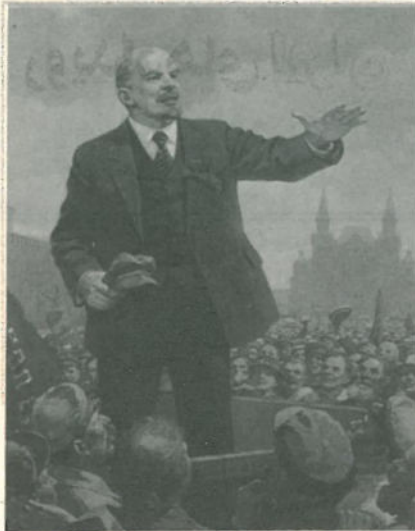
آن برحسب اولویت‌ها و سلیقه‌های سیاسی و گروهی تغییر و تبدیل داده شود... تخلف از اصول مطرح در آن نه تنها به ضرر حاکمیت است بلکه در نهایت به زیان نظام جمهوری اسلامی تمام خواهد شد.

● «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» راستی کاشانی از اعضای این جامعه در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت (۳ آبان) در مورد انتخابات ریاست جمهوری از جمله گفت: «از همه جریان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی و نیز شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌خواهیم برای برپایی یک انتخابات پرشور و جدی به میدان بیایند... رییس جمهور آینده... باید فردی ولایت پذیر بوده و قبلاً این امتحان ولایت‌پذیری را نیز داده باشد... رییس جمهور باید آگاه به احکام اسلام و مبانی دینی باشد... روحانیت مبارز تهران به تصمیم رسیده‌اند. آنها به جامعه مدرسین اعلام کرده‌اند ما به اقدام شما نظرمان را نگه داشتیم تا نظر شما را هم بدانیم. چه بسا هر دو این تشکل بزرگ روحانی و الهی به یک تصمیم برسند...»

● «مجمع روحانیون مبارز» کربوبی دبیرکل مجمع روحانیون مبارز تهران، در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه سلام ۲۴ آبان آغاز فعالیت مجدد این گروه را اعلام کرد. وی در مورد عدم فعالیت این گروه و موضوع انتخابات از جمله گفت: «مطلب

● «نهضت آزادی ایران» با انتشار یک اطلاعیه مشروح در ۱۴ مهرماه مواضع خود را در مورد انتخابات آتی ریاست جمهوری اعلام کرد. اطلاعیه با تأکید بر این که نهضت آزادی با مبارزه قهرآمیز و خشونت‌بار مخالف است و به «شیوه‌های عمل مسالمت‌آمیز و روش‌های اصلاح طلبانه که منجر به تحول تدریجی اما قطعی و آگاهانه و استقرار مردم‌سالاری در جامعه» گردد، معتقد است، شرکت در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را به عنوان «موقعیتی ممتاز برای کسانند مردم به صحنه سیاسی جامعه و شناساندن حقوق و وظایف شهروندی اعضای جامعه و دخالت مستقیم آنها در امور سیاسی و سرنوشت خویش» ارزیابی کرده و در ادامه در رابطه با قانون اساسی چنین آمده است: «نهضت آزادی ایران هرگونه تغییر، تصرف، سوء تعبیر و تفسیرهای یکطرفه قانون اساسی را که از جانب حاکمیت، با هر بهانه و شکلی، به نفع تثبیت و استمرار قدرت جناح‌ها صورت گیرد، مردود و محکوم می‌داند. اگرچه پیش و قبل از همه، حاکمیت کنونی مستمراً اصولی از قانون اساسی را نادیده گرفته یا آنها را آشکارا نقض نموده و یا عملاً تعطیل کرده است، با وجود این، قانون اساسی ثمره انقلاب اسلامی ایران است و فارغ از نواقص، ابهامات و تناقضات موجود در آن، تنها سند زنده و معتبر و قابل استناد می‌باشد و نباید اجازه داد که در

## اکتبر و دوران ما



سوسیالیستی در اختیار جنبش کارگری و کمونیستی جهان قرار دارد، بیش از پیش در تجربه روزمره توده ها درستی خود را به اثبات می رسانند. امروز مردم روسیه و کشورهای اروپای شرقی به روشنی و با پوست و گوشت خود تفاوت های واضح میان سوسیالیسم و سرمایه داری عنان گسیخته را به بهای بسیار سنگینی از نزدیک تجربه کرده اند و با تمام توان خواهان سد کردن بازگشت کامل سرمایه داری به کشورهای خود هستند. امروز برای انبوه کشورهای در حال توسعه روشن شده است که نبود اردوگاه نیرومند سوسیالیسم برای مقابله با زورگویی و تهاجم امپریالیسم چه فاجعه عظیمی است و امروز در نبود آن چگونه امپریالیسم زیر لوای «نظم نوین جهانی» در چه ابعاد گسترده و مخربی در امور این کشورها دخالت می کند.

مارکس در اثر جاودان خود کاپیتال اثبات کرد که سرمایه داری نیز یک صورت بندی اجتماعی - اقتصادی نظیر فئودالیسم است که با قوانین خاص تولید بزرگ کالایی از بطن جامعه فئودالی سر بر کرده است و خود در اثر تضادهای درونی خویش که به صورت مزمن و ادواری دامن گیر آن خواهد بود سرانجام می بایست جای خود را به صورت بندی نوینی که دیگر نمی تواند بر مالکیت خصوصی استوار باشد، بدهد.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نوید تحقق چنین امری را به بشریت داد و بی شک این روند قانونمند به حرکت قطعی و سرنوشت ساز خود ادامه خواهد داد. درس های انقلاب کبیر اکتبر و درس های روند ساختمان جامعه ای نوین، علی رغم همه دشواری های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مجموعه پرارزشی از تجربه انقلابی است که جنبش کارگری و کمونیستی جهان را به سرانجام پیروزمند خود خواهد رساند. این خوش بینی تاریخی ما نه از سر بنادر گرایی که بر تجربیات عینی و تاریخی تکامل جامعه بشری استوار است.

دو اردوگاه سرمایه داری و سوسیالیسم برقرار کند.

در عرصه جهان، اندیشه های دوران ساز اکتبر، همچون توفانی مهیب به مواضع سرمایه داری، امپریالیسم و استعمار یورش برد و در پرتو و تحت تأثیر مستقیم این اندیشه ها، موجی از انقلاب های رهایی بخش ملی در کشورهای گوناگون آغاز شد و بر خاکستر امپراتوری عظیم استعماری جهان قدیم کشورهای رها شده از بندهای استعمار بنا شدند. کمتر مورخ بی غرضی را می توان یافت که بتواند منکر نقش تعیین کننده اکتبر در تحولات قرن معاصر تاریخ بشری باشد. اندیشه های مترقی، پیشرو و دوران سازی همچون: بهداشت برای همه، آموزش برای همه، عدالت اجتماعی، رهایی و برابری برای زنان، و بنا کردن جهانی بر اساس صلح و عاری از جنگ، از جمله آرمان هایی بودند که در پرتو اکتبر و مبارزات طبقه کارگر و نیروهای مترقی در بسیاری از کشورهای جهان طرفداران بی شماری پیدا کردند و تحت تأثیر آن برخی برنامه های مثبت به سرمایه داری جهانی تحمیل شد و امروز بسیاری از این دست آوردها در شرایط عقب گرد های مقطعی سال های اخیر مورد تهاجم سرمایه داری انحصاری و دولت های امپریالیستی قرار گرفته اند.

اهمیت پیروزی انقلاب اکتبر، در تجربه غنی هفتاد و نه ساله ای است که کمونیست ها در مبارزه دشوار خود علیه سرمایه داری به دست آورده اند. تجربه ای که علی رغم پیچ و خم ها و دشواری ها نشان داد که می توان جامعه ای را بر اساس دیگری، بر اساس تلاش در راه پایان دادن به استثمار فرد از فرد و پایان دادن به حاکمیت سرمایه بنا کرد. اکتبر راه گشای مبارزه ای شد که ریشه های تنومندی در اندیشه های توده های عظیم مردم محروم جهان کاشت و این اندیشه ها علی رغم فروپاشی دولت زاینده اکتبر همچنان در قلوب کارگران و محرومان شعله وراست و علی رغم تبلیغات کر کننده امپریالیسم در مورد پایان نبرد میان کار و سرمایه و پایان نبرد طبقاتی در جهان، در گوشه و کنار جهان همچنان به راه گشایی و حرکت خود به سمت اوج دوباره ادامه می دهد. اکتبر نشانگر آغاز دوران جدیدی در تاریخ بشریت بود، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم. این دوران نه تنها به پایان نرسیده است، بلکه همچنان عمده ترین خواست و تنها راه رهایی توده های محروم از سرنوشت نکبت باری است که با آن دست به گریبان هستند.

این صحیح است که تاریخ تکامل اندیشه و سازمان انقلابی و تحقق هدف های سوسیالیستی به مراتب در عمل مشخص تاریخی دشوارتر و پزنیچ و خم تر از آب درآمد که حتی شاید به نظر بنیان گذاران مارکسیسم می رسید، ولی حقیقت این است که ارزش و اعتبار نظریات علمی مارکس، انگلس و لنین که امروز در کنار تجربه هفتاد و پنج سال کار ساختمان جامعه

طرفداران سابق مارکسیسم که در تند باد حوادث صحنه را ترک گفتند و مبارزه را پایان یافته و شکست را قطعی اعلام کردند، همگی از زوایای گوناگونی ولی با یک هدف واحد انقلاب اکتبر و تأثیرات عظیم آن در جهان را مورد یورش و حمله قرار داده اند. برخی انقلاب اکتبر را «انحراف ماجراجویانه لنین از مارکسیسم»، و حوادث سال های اخیر را «مرگ قطعی لنینیسم» و برخی شکست «مارکسیسم - لنینیسم» اعلام کردند. اما واقعیت چیست؟ نقش اکتبر در روسیه و جهان چه بوده است و ارتباط آن با آینده بشریت کدام است؟

انقلاب اکتبر در کشوری پیروز شد که سطح رشد سرمایه داری در بخش های پیشرفته آن در حدی متوسط بود و در بخش هایی از این کشور هنوز بقایای فئودالیسم وجود داشت و در نواحی آسیایی آن هنوز خلق هایی بودند که در شرایط مستعمره و نیمه مستعمره زندگی می کردند و نواحی بودند که هنوز مناسبات قبیله ای در آنجا حکمفرما بود.

در آستانه انقلاب اکتبر تولید صنعتی روسیه تزاری تنها ۱۲/۵٪ تولید صنعتی ایالات متحده آمریکا بود. بر اساس آمار موجود در سال ۱۹۲۱، یعنی چهار سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر، آمریکا ۶۰ برابر روسیه تولید می کرد. دولت جوان شوراهای در محاصره کامل اقتصادی - نظامی کشورهای امپریالیستی می بایست نه تنها به حیات خود علی رغم همه توطئه ها ادامه دهد بلکه تلاش کند جامعه روسیه را از یک جامعه سرمایه داری عقب مانده با همه ویژگی ها و ناهمگونی های عظیم اجتماعی - اقتصادی به سطح یک کشور پیشرفته ارتقاء دهد.

عظمت دست آورده های حاصله هنگامی روشن تر می گردد که توجه شود افزون بر این دشواری ها دولت جوان شوراهای یکی از مهمترین هدف های تهاجم فاشیسم بود و در دوران جنگ جهانی دوم بیشترین صدمات را متحمل شد. بر اساس آمار موجود در اثر جنگ جهانی دوم و یورش فاشیست ها به اتحاد شوروی دو تریلیون روبل خسارات اقتصادی به کشور جوان شوراهای وارد شد، ۱۱۸۰ شهر، ۷۰ هزار آبادی، ۳۱۸۵۰ مؤسسه صنعتی، ۶۵۷ هزار کیلومتر راه آهن، ۴۰ هزار بیمارستان، ۸۴ هزار مدرسه و بیست میلیون نفر از مردم شوروی به هلاکت رسیدند.

جنبش ابعادی از ویرانی و تخریب توسط هیچ یک از کشورهای سرمایه داری تجربه نشد و دولت جوان شوراهای در چنین شرایطی دست به ساختمان جامعه سوسیالیستی زد که در مدت کوتاهی از یک کشور عقب مانده سرمایه داری و ویران شده در جنگ جهانی دوم به جد ابر قدرت جهانی صعود کرد و برای سال ها توانست یک تنه موازنه جهانی قدرت را میان

پیرامون برگزاری اجلاس سالانه واشنگتن:

## رژیم «ولایت فقیه» در خدمت صندوق بین المللی پول!

انتشار اوراق مشارکت را به تصویب رسانده است. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت: «بر اساس این لایحه، به دستگاه ها و شرکت های سهامی عام، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی اجازه داده می شود به منظور مشارکت عموم [بخوان سرمایه داران بزرگ بخش خصوصی] در اجرای طرح های عمرانی دولت و طرح های سودآور تولیدی... و تأمین قسمتی از منابع مالی مورد نیاز خود، از طریق انتشار و عرضه اوراق مشارکت اقدام نمایند؛ خریداران این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در سود حاصل از اجرای طرح مربوطه شریک خواهند بود...».

به دنبال تصویب لایحه انتشار اوراق مشارکت، روزنامه های مجاز با هیاهوی بسیار سخنان یک مقام مسؤول بورس تهران را منتشر ساختند که گفته بود: «با انتشار اوراق مشارکت، بازار سرمایه رشد چشمگیری خواهد یافت»!! نکته جالب توجه این که، همزمان با درج این گزارشات و تصویب لایحه مزبور در هیأت دولت، نمایندگان صندوق بین المللی پول در تهران به سر می بردند! روزنامه اطلاعات با ذکر چند نکته کوتاه در این مورد، نوشت: «۲ هیأت ۳ نفره از صندوق بین المللی پول که در تهران به سر می برند، پرپر روز (۱۰ تیرماه سال جاری) از روند معاملات بورس تهران دیدن کردند و با مسؤولان اوراق بهادار تهران به گفتگو پرداختند. هدف این دو هیأت تهیه گزارشی از تحولات بورس اوراق بهادار تهران در مدت یکسال گذشته است. اعضاء ۲ هیأت مذکور به خصوص در مورد انتشار اوراق مشارکت که اخیراً لایحه آن در جلسه هیأت وزیران به تصویب رسید سؤالاتی را مطرح کردند...».

مأخذ گزارش دو هیأت گسیل شده از سوی صندوق بین المللی پول، که در عمل حکم رهنمود و دستور را برای رژیم «ولایت فقیه» دارد، دو ماه بعد در مصاحبه نوربخش، رئیس بانک مرکزی، بازتاب پیدا کرد. او در زمینه فعالیت اخیر بازار سرمایه، یعنی همین طرح انتشار اوراق مشارکت، می گوید: «ما خودمان طراحی کرده ایم و مشوق آن هستیم. اخیراً هم لایحه ای را پیشنهاد کردیم که به مجلس رفته تا چارچوب این کار را دقیق تر و مشخص تر بکند و این اوراق را جزو اوراق بهادار قرار دهد که قابل معامله در بورس باشد...» (اطلاعات بین الملل، ۱۲ مهرماه ۷۵).

علاوه بر مسأله اوراق بهادار، در مرداد ماه سال جاری، مطبوعات گزارشی نیز در زمینه پیشنهاد لغو انحصارات دولتی در بعضی زمینه ها

اما حکام رژیم «ولایت فقیه» بر همه این واقعیت ها چشم بسته اند و بر اجرای فرامین صندوق بین المللی پول تأکید دارند. در واقع، محور سیاست هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر واشنگتن نیز تأکید مجدد بر تعهد رژیم به اجرای دستورات و رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بود. این واقعیت در تماس ها و ملاقات های هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی کاملاً آشکار و مشهود بود. از جمله، سخنان وزیر امور اقتصاد و دارایی در اجلاس مزبور گویای این امر است. مرتضی محمدخان در سخنان خود از ابتکار مشترک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در زمینه بدهی ها و کشورهای بدهکار قدردانی و تقدیر نمود! او همچنین از «راهبرد بانک جهانی در مورد سیاست تضمین و تأمین مالی مشترک برای افزایش جریان منابع به کشورهای در حال توسعه پشتیبانی کرد» و ضمن اشاره به برنامه های در حال اجرا در ایران، به سیاستگذاران این نهادهای امپریالیستی اطمینان خاطر داد که «برنامه های توسعه اقتصادی ایران دنبال و اجرا می شود». مرتضی محمدخان همچنین «دستاوردهای اجرای برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی [یعنی نسخه های تجویز شده از سوی صندوق بین المللی پول] را برای اجلاس برشمرد و بر ادامه آنها تأکید ویژه کرد» و بدین ترتیب از سوی رژیم «ولایت فقیه» به این نهادهای امپریالیستی تضمین های لازم را داد.

در اجلاس واشنگتن، صندوق بین المللی پول به منظور اعمال نفوذ بیشتر، و به قول مشاوران سیاسی خود «هدایت» ۱۸۱ کشور عضو صندوق، سندی تحت عنوان «همکاری در رشد اقتصادی حفاظت شده جهان» انتشار داد. در این سند رسمی، ۱۱ توصیه مهم و اساسی مطرح شده که برخی از آن ها با فشار و فریب در میهن ما در حال پیاده شدن است - از جمله تعدیل بودجه دولت، کنترل هزینه های همگانی، تقویت نظام بانکی، و خصوصی سازی - که همگی از موارد یازده گانه سند فوق الذکر هستند.

درست به دلیل تسلیم بی چون و چرای رژیم جمهوری اسلامی به «۱۱ فرمان» صندوق بین المللی پول است که از ابتدای سال جاری خورشیدی، رژیم فعالیت تبلیغاتی پر تب و تاب را در زمینه های گوناگون مالی و اقتصادی، نظیر اصلاح سیستم اداری، تثبیت نرخ ارز، انتشار اوراق مشارکت، رونق دادن ظاهری به بازار بورس تهران و خصوصی سازی به راه انداخته است. در نخستین هفته تیرماه امسال، مطبوعات کشور گزارش دادند که هیأت وزیران لایحه

اجلاس سالانه مشترک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در شهر واشنگتن، پایتخت ایالات متحده آمریکا برگزار شد. در این اجلاس هیأت بلند پایه ای نیز به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی، شامل مرتضی محمدخان، وزیر امور اقتصادی و دارایی، و مرتضی نوربخش، رئیس بانک مرکزی، شرکت داشت. مطبوعات درون کشور در این زمینه خبر دادند که هیأت ایرانی در جلسات کمیته موقت، که ارگان سیاستگذار صندوق بین المللی پول است، و همچنین کمیته توسعه و اجلاس گروه موسوم به ۲۴، شرکت خواهد کرد. «کمیته توسعه» ارگان تصمیم گیرنده و سیاستگذار بانک جهانی محسوب می شود.

جمهوری اسلامی همه ساله در نشست های مختلف این نهادها، به ویژه اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی حضور پیدا کرده است و هیچگاه تمایل و اصرار خود را در نزدیکی، تشریک مساعی و فرمانبرداری از این دو نهاد قدرتمند سرمایه داری جهانی پنهان نموده است.

پس از پایان یافتن جنگ خانمانسوز ایران و عراق، فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی و این ارگان های امپریالیستی گشوده شد. برنامه های توسعه اقتصادی که زیر عنوان های «سیاست تعدیل اقتصادی»، «تعدیل نیروی انسانی» و «خصوصی سازی» به میهن ما تحمیل شدند، همگی بر اساس دستورات و رهنمودهای اکید این دو نهاد بین المللی بوده اند. علاوه بر این، طی سالیان گذشته، دولت جمهوری اسلامی گزارشات دقیق، مشروح و کاملاً سری از توانایی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و انسانی کشور، که پاره ای از آن ها برای امنیت و حاکمیت ملی کشور جنبه حیاتی داشته اند، در اختیار صندوق بین المللی پول قرار داده است. این گونه اقدامات در ابتدای امر مخالفت هایی را برانگیخت. اما هر دو جناح حاکم بر سر نوشت کشور، بنا به «مصلحت نظام»، در رابطه با این اقدامات سکوت اختیار کردند.

در باره نقش و عملکرد دولت های امپریالیستی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همین بس که با اجرای سیاست ضد مردمی تعدیل اقتصادی، توانایی تولیدی و اقتصادی کشور بیش از پیش فروپاشید و میهن ما در گرداب بحران ژرف اقتصادی، که پیامدهای هولناک اجتماعی و فرهنگی نیز به دنبال داشته است، فرو رفت. این در حالی است که میهن ما، علی رغم ذخایر عظیم گاز و نفت و منابع سرشار طبیعی و امکانات بالقوه و بالفعل فنی و کارشناسی، اکنون با یک بدهی خارجی حداقل ۴۳ میلیارد دلاری روبروست.

**ادامه رژیم «ولایت فقیه» در خدمت ...**

چاپ کردند. رسانه های همگانی در این رابطه گزارش دادند که «لایحه تعیین تشکیلات کلان دولت آماده شده و به زودی پس از تصویب در هیأت دولت، تقدیم مجلس خواهد شد. و در صورت تأیید مجلس، انحصار دولتی در موارد مخابرات، نفت، جای، راه آهن و معادن و فلزات شکسته خواهد شد»!!!

همه این اقدامات - از برنامه به اصطلاح رشد بازار بورس تهران که زیر نظر مستقیم هیأت های صندوق بین المللی پول به اجرا درآمده گرفته تا اصلاح ساختار دولتی و شکستن انحصار دولتی بر رشته های حیاتی اقتصاد کشور، یعنی حراج بخش دولتی - سیاست هایی هستند که مرحله به مرحله به دستور نهادهای امپریالیستی و به دست رژیم ضد مردمی و وابستگرای حاکم بر ایران علیه منافع مردم میهن ما پیاده می شوند. وظیفه مقدم و اصلی هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه واشنگتن نیز تنها دادن تضمین و اطمینان خاطر به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر اجرای این سیاست های امپریالیستی از سوی رژیم ایران بود.

در تکمیل روند فرمانبرداری از این دو نهاد و ثبات بخشیدن به روند جاری تعدیل اقتصادی در سطح کشور، «سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران» نیز شرایط نوینی را برای سرمایه گذاری خارجی در ایران اعلام کرد. این شرایط جدید مقرر می دارد که سرمایه گذاران خارجی می توانند سود حاصل از سرمایه گذاری خود در ایران را، که با استفاده از ارز حاصل از صادرات به دست می آید، به خارج از کشور منتقل کنند! رییس «سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران» در همین رابطه پیش بینی کرده است که با توجه به حجم تقاضا در سه ماهه اول امسال (۱۳۷۵)، میزان سرمایه گذاری خارجی بیشتر از سال گذشته خواهد بود.

از موضوعات بسیار مهم در رابطه با ادامه سیاست تعدیل اقتصادی از سوی رژیم، مسأله تثبیت نرخ ریال در برابر ارزهای خارجی است. در این ارتباط، عقب نشینی های اخیر رژیم در پیشبرد این سیاست ها، که از رشد شدید نارضایتی مردم و بحران اقتصادی ناشی از آن ها سرچشمه می گرفت، نگرانی هایی را برای این نهادهای بین المللی در رابطه با کند شدن رفرم های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول ایجاد کرده بود. هیأت نمایندگی رژیم در اجلاس واشنگتن در این رابطه نیز تضمین های لازم

بدل کرده اند. این تنها یک نمونه کوچک از پیامدهای تسلیم به سیاست های امپریالیستی است که مردم ایران برای پایان بخشیدن به آنها رژیم گذشته را به زباله دان تاریخ برتاب کردند و اکنون نیز ادامه این سیاست ها را نتیجه مستقیم تسلیم رهبران جمهوری اسلامی به امپریالیسم و خیانت آشکار آنان به اهداف اولیه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ می دانند. تردیدی نیست که مردم زحمتکش ایران در رابطه با کسانی که امروز با پشت کردن به اهداف انقلاب، منافع ملی آنها را اینچنین فدای منافع غارتگرانه امپریالیسم می کنند، بار دیگر حکم قطعی خود را صادر خواهند کرد. چنین روزی بدون شک چندان دور نخواهد بود.

**تأسیس کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در بلژیک**

در اطلاعیه مطبوعاتی که به دفتر «نامه مردم» رسیده است، پیرامون تشکیل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در بلژیک از جمله می خوانیم: «یک گروه پارلمانی متشکل از یک وزیر، ۷ سناتور و ۵ نماینده مجلس، کمیته ای به نام کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) تشکیل دادند...» این کمیته که به ریاست خانم آن ماری لیزن، شهردار شهر «هوی» و از سناتورهای فعال حزب سوسیالیست، نماینده سوسیالیست بین الملل در بلژیک و کاندیدای ریاست سازمان «یونیسف» سازمان ملل می باشد، در نخستین بیانیه مطبوعاتی خود متذکر شد: نظر به ادامه نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، تعدادی از سناتورها و نمایندگان مجلس، از احزاب گوناگون سیاسی ضمن اعلام حمایت خود از مردم ایران در موارد زیر فعالیت مشترک خواهند کرد:

- دفاع از حقوق بشر و دموکراسی،
- افشای موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی،
- دفاع از حقوق مردم ایران،
- دفاع از آزادی زن در ایران،
- دفاع از همه زندانیان سیاسی،
- دفاع از حقوق کارگران، هنرمندان، نویسندگان و روشنفکران ایران،
- دفاع از آزادی بیان و عقیده،
- دفاع از آزادی احزاب و نیروهای سیاسی،
- دفاع از ایجاد سندیکا، اتحادیه و انجمن های مستقل.

در پایان بیانیه مطبوعاتی کمیته ذکر شده است که این کمیته تلاش خواهد کرد با اعمال شیوه های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی را به رعایت حقوق بشر، خصوصاً حقوق زنان در ایران وادار کند و هرگونه اطلاعی در زمینه نقض حقوق بشر توسط دولت ایران را در اختیار افکار عمومی مردم بلژیک قرار دهد.

را به این نهادها داد. برای روشن شدن ماهیت واقعی این تضمین ها، لازم است به بخش هایی از مصاحبه اخیر نوریخش، رییس بانک مرکزی، با دقت بیشتر توجه کنیم. او در پاسخ به سؤالی در مورد عقب نشینی رژیم از سیاست تثبیت نرخ برابری ارز می گوید: «ما این سیاست ها را در واقع در ادامه همان سیاست های کلی می دانیم که بحث تعدیل اقتصادی باشد، و این سیاست ها را هم ابزاری می دانیم برای کنترل کردن وضعیت و خنثی کردن آثار نامطلوب اقتصادی که در حال بروز بود [بخوان ساکت کردن اعتراضات مردم]، تا از آن شرایط عبور کنیم و مجدداً در شرایط مطلوب، همان برنامه ها ادامه پیدا کند. ما باید در زمینه ارزی، پولی و در زمینه سیاست های مالی و بازرگانی اقدامات لازم را انجام می دادیم تا بحث تعدیل اقتصادی بتواند به طور منظم حرکت کند و ما را به هدف های خود برساند...»!!! آیا از این روشن تر و گستاخانه ترمی توان از سرسپردگی و تسلیم بی قید و شرط رژیم به دستورات صندوق بین المللی پول سخن گفت؟! آنچه اشاره رفت فشرده کوتاهی بود از تهمداتی که رژیم «ولایت فقیه» در قبال نهادهای غارتگر امپریالیستی برعهده گرفته است؛ تهمداتی که در اجلاس اخیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در واشنگتن بار دیگر از سوی نمایندگان رژیم مورد تأکید قرار گرفت.

ناگفته پیداست که این به اصطلاح اصلاحات امپریالیستی با منافع بنیادین ملی مردم میهن ما و با رشد اقتصادی و اجتماعی کشور مغایرت کامل دارند و به وابستگی هرچه بیشتر اقتصادی و سیاسی کشور به امپریالیسم می انجامند. اهدافی که این نهادهای بین المللی امپریالیستی با نسخه های تجویز شده خود در میهن ما دنبال می کنند جز فقر و فلاکت و عقب ماندگی اقتصادی نتیجه ای برای مردم ایران به دنبال نخواهد داشت.

فساد مالی و اداری ناشی از این سیاست ها از هم اکنون خود را آشکار کرده است. به عنوان مثال، روزنامه «همشهری» در گزارشی که چند هفته پیش در مورد بازار بورس تهران منتشر کرد، نوشت: «در شرایط حاضر، کارگزاران بورس تهران، به دلیل طبیعت کارشان، زودتر از سهامداران و متقاضیان به تازه ترین اطلاعات شرکت هایی که سهام آنها در بورس عرضه می شود دست می یابند، اطلاعاتی از قبیل میزان فروش ماهانه شرکت ها، پیش بینی درآمد متعلق به هر سهم و غیره. لذا باید همزمان با ارائه اطلاعات به کارگزاران بورس، این اطلاعات از طرف سازمان بورس به سرعت و سهولت در اختیار متقاضیان خرید سهام قرار گیرد... درحال حاضر شرایط برابر نیست...».

به دیگر سخن، گردانندگان بازار بورس تهران، دست در دست سرمایه داران و تجار بخش خصوصی و مأموران و مقامات دولتی، این مرکز را به اهرمی برای غارتگری و سرکشیه کردن مردم

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

## ادامه درود بر شور به خاطره...

مایه افتخار حزب ما و جنبش کارگری و کمونیستی ایران است که اکنون بیش از هشت دهه در راه رهایی کشور از بندهای استبداد و استعمار رزمیده است.

و اینک گوشه هایی از این تاریخ و مبارزه اسطوره ای از زبان دلوران توده ای که با فدا کردن جان خود به ابدیت تاریخ پیوستند و خاطره و مبارزه شان راه گشای تربیت نسل های پی در پی از مبارزان راه آزادی میهن ما بوده و هست.

«این را شما درست می گویند آقای دادستان، من خیانتکارم. من هرروز گزارش کار اداره سرورشته داری را به یک مامور بیگانه می دادم. بله درست است. اما برخلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هرروز گزارش کارها را به او بدهم... اگر بهشتی در دنیا وجود داشته باشد، راه همان است که ما می خواستیم طی کنیم...» رفیق شهید سرهنگ سیامک.

«من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می شوم. این مرگ، مرگ شرافتمندانه است.» رفیق شهید سرهنگ مشری

«چشمان مرا نبندید! می خواهیم در دم مرگ لرزش دست های دشمن را ببینم.» رفیق شهید سرگرد وزیران

«در زندان مثل سنگ خارا ایستاد و حلاج وار همه شکنجه ها را تحمل کرد. هر جا دستش رسید، روی دیوار حمام معروف قزل قلعه، که شکنجه گاه زندان بود، روی لیوان مسی زندان و ته بشقاب های فلزی با ناخن و یا هر وسیله ای به دستش می افتاد حک می کرد:

درد و رنج تازیانه چند روزی بیش نیست

راز دار خلق اگر باشی همیشه زنده ای»

رفیق هم بند در مورد رفیق شهید مرتضی کیوان. «پیام مرا به رفقا بده. من را خیلی شکنجه داده اند. مرا با شلاق زده اند. با باتون زده اند. زیر آب سرد برده اند، با سیم خاردار زده اند، ولی من هیچ چیز نگفته ام. من از این چیزها نمی ترسم، چون ما قبول کرده ایم تمام این چیزها را و به راه خودمان ادامه می دهیم...» رفیق شهید سرهنگ کاظم جمشیدی.

«این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است. نخست درود آتشین ما را بپذیرید دیگر آنکه بدانید تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم.» رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی.

و چنین بود ابعاد جنایت رژیم مزدور شاه که گروهی از شریف ترین و کارآمدترین افسران ارتش ایران را به جوخه های مرگ سپرد تا مبارزات رهایی بخش مردم میهن ما را سرکوب کند. ولی امروز این شهدای دلور توده ای هستند که سربلند و پرافتخار به بخش جدایی ناپذیر از تاریخ مردم کشور ما پیوسته اند و این رژیم جنایت کار شاه بود که سرانجام به دست توانمند خلق به زیاله دان تاریخ سپرده شد.

کاندیدای مشترک برگزار شده است و بر سر کاندیداتوری ناطق نوری به توافق رسیده اند. آیت الله راستی کاشانی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مصاحبه با روزنامه «رسالت» ضمن اشاره به این موضوع از جمله گفت: «روحانیت مبارز تهران به احترام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تاکنون تصمیم خود را در مورد کاندیدای ریاست جمهوری اعلام نکرده است... بحث های خوب و دقیقی در مورد انتخابات در جامعه مدرسین انجام شده و چه بسا با روحانیت مبارز به یک تصمیم برسند... گروه های اسلامی همسو [روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه اسلامی] در ادعای خود درباره همسویی با روحانیت واقعا صادق هستند...» (روزنامه رسالت ۳ آبان ۱۳۷۵).

در مقابل این تاکتیک و در شرایطی که میرحسین موسوی انصراف خود را از پذیرش کاندیداتوری ریاست جمهوری اعلام کرده است، باید انتظار داشت که ائتلاف مقابل نیز به فکر پیدا کردن کاندیدای دیگری باشد. نام عبدالله نوری و کروی از جمله کسانی است که در هفته های اخیر در محافل گوناگون بر سر زبان بوده است.

عامل دیگری که در این جا توجه به آن اهمیت دارد، تنفر عمیق و وسیع توده های مردم زجر دیده و محروم از دستگاه رهبری کنونی و خصوصاً گروه رسالت و حجتیه است که نقش بسیار مخرب و فاجعه باری در شکست انقلاب بهمین و آرمان های آن بازی کرده اند.

«انتخابات» پنجمین دوره مجلس به روشنی تنفر عمیق مردم را از این مجموعه ضد مردمی نشان داد. رای بالای کاندیداهای «مستقل» و زنان و انتخاب نشدن کسانی مانند عسگر اولادی، از رهبران گروه حجتیه نشان داد که حتی در شرایط دشوار ترور و اختناق و کنترل شدید دولت بر «انتخابات» و انواع و اقسام ترندها، مردم حاضر نیستند به این مجموعه جنایتکار رای دهند. اتکاء بیش از پیش گروه رسالت به مسأله «ولایت» و ضرورت حفظ نقش «ویژه روحانیت» نیز با درک و نگرانی شدید از همین تنفر است.

آنچه مسلم است این است که گروه حاکم در رژیم کنونی همان طوری که در جریان «انتخابات» مجلس نشان داد تنها خواهان یک «انتخابات» فرمایشی با ظاهر آراسته و «شرکت وسیع مردم» است که بتواند کاندیدای مورد نظر خود ناطق نوری را از این روند پیروز بیرون آورد و آخرین سنگر باقی مانده، یعنی قوه مجریه را به اختیار کامل خود درآورد.

رژیم «ولایت فقیه» و روحانیت حاکم امتحان خود را حداقل در چهارده سال گذشته بارها و بارها پس داده اند و از این مجموعه جز آنکه تاکنون بر کشور و مردم ما رفته است نمی توان انتظار دیگری داشت.

ادامه سیاست های فاجعه بار اقتصادی - اجتماعی که شرایط فلاکت بار و دردناکی را از فقر و محرومیت برای میلیون ها خانواده ایرانی به ارمغان آورده است، در کنار ترور، سرکوب و استبداد قرون وسطایی، از جمله سیاست ها و برنامه هایی است که گروه حاکم مصمم به ادامه و حفظ آن است.

## بحثی پیرامون تاکتیک ها...

مرتضی نبوی در هفته های اخیر در دیدارها و سخنرانی های متفاوتی اساس برنامه انتخاباتی این گروه را به روشنی اعلام کرده اند. اساس این برنامه بر اصل حفظ موقعیت ویژه روحانیت به عنوان نیروی رهبری کننده حاکمیت جمهوری اسلامی، از «ولی فقیه»، تارویس دولت، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه است. بر اساس این برنامه روسای قوه سه گانه از جمله رئیس قوه مجریه می بایست حتماً از میان روحانیت باشند خامنه ای در دیدار با ائمه جمعه کشور در این باره از جمله گفت: «متزلزل کردن مردم نسبت به اصول و مبانی اسلامی و خدشه در اصل ولایت فقیه از اهداف تبلیغات شوم صهیونیسم است... اعتقاد به روحانیت یکی از اساسی ترین بنیان های روحی و فکری مردم است...» در همین جلسه مشکینی نیز اضافه کرد که: «مهمترین وظیفه روحانیت، هدایت مردم در جهت ولایت پذیری است» - (روزنامه رسالت ۱۷ مهرماه ۱۳۷۵).

ناطق نوری، یزدی، جنتی، مکارم شیرازی، لنکرانی و موحدی کرمانی نیز هرکدام در سخنان جداگانه ای ضمن تأکید بر نقش روحانیت، روحانی بودن، و اطاعت مطلق از «ولی فقیه» را از جمله شرایط ضرور رئیس جمهور آینده اعلام کردند.

برای مقابله با این مشی، به نظر می رسد ائتلاف مقابل یعنی گروه «کارگزاران» و «ائتلاف خط امام»، امیدوارند تا با «مجمع روحانیون مبارز» برای دادن کاندیدای مشترک به توافق برسند. عطااله مهاجرانی معاون حقوقی رئیس جمهور، در این زمینه توضیحات زیر را ارائه داد: «با توجه به این اعضای مجمع از افراد با سابقه نظام و انقلاب هستند و مورد تأیید امام بوده اند و در حال حاضر مورد تأیید مقام معظم رهبری هستند،... حضور آنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی جامعه تعادل ایجاد خواهد کرد... در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی افرادی می گفتند که قضیه مشروطیت در حال تکرار است و ادعا می کردند که عده ای قصد حذف روحانیت را دارند. اما در شرایط جدید و حضور مجمع روحانیون مبارز در انتخابات آتی دیگر چنین ادعایی قابل طرح شدن نیست...» (روزنامه سلام ۲۶ مهرماه ۱۳۷۵).

از مجموعه آنچه در بالا آمده است روشن است که گروه حاکم برای قبضه کامل حکومت جمهوری اسلامی همان تاکتیک ها و خطی را دنبال خواهد کرد که در جریان انتخابات مجلس پنجم دنبال کرد. فشار شدید تبلیغاتی، استفاده از همه اهرم های موجود، از جمله شورای نگهبان و سایر نهادهایی که در کنترل آنان هست و تشدید جو ارباب از طریق وارد کردن گروه های چاقو کش «انصار حزب الله» به صحنه. افزون بر این در هفته های اخیر گزارش رسیده است که دیدارهای متعددی میان نمایندگان شورای مرکزی «جامعه روحانیت مبارز» و مدرسین حوزه علمیه قم برای رسیدن به توافق برای

## رویدادهای جهان



### بحران فراگیر در پاکستان

راه پیمایی هزاران نفر از طرفداران جماعت اسلامی و دیگر احزاب اسلامی مخالف دولت خانم بوتو در روز ۶ آبان ماه توسط پلیس متوقف شد و در زد و خورد های خیابانی ۲۹ نفر زخمی شدند. تظاهر کنندگان که قصد راه پیمایی به سوی پارلمان در اسلام آباد را داشتند خواستار استعفاي نخست وزیر، خانم بی نظیر بوتو بودند. در روز های قبل از تظاهرات صدها تن از روحانیون مخالف در سراسر کشور دستگیر شده بودند.

مشکلات دولت خانم بوتو از یکسور ریشه در اتخاذ سیاست های اقتصادی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دارد که بیکاری، فقر و جنایت را دامن زده است. و از سوی دیگر محصول اتحاد نامقدس روحانیون ارتجاعی، برخی عوامل بانفوذ در ارتش و نیز سرمایه داران و ملاکان کشور است.

در روز ۵ آبان ماه اعتصاب تجارخانه ها، صنایع و وسایل حمل و نقل عمومی عملاً پاکستان را یکبارچه تعطیل کرد. مساله عمده مورد اعتراض، بالا بردن قابل توجه مالیات ها و نیز کاهش ارزش ۸ درصدی روپیه است. در چند ماه گذشته رییس جمهور پاکستان از سوی محافل پر قدرت قضایی، مالی و نظامی زیر فشار بوده است که خانم بوتو را

برکنار کند. هنگامی که خانم بوتو در روزهای اول آبان ماه در پارلمان این کشور سخن گفت اظهار داشت: «من زیر هیچگونه فشاری استعفا نخواهم کرد. من به مردم پاکستان قول می دهم که خواهرشان به همراه همکارانش با توطئه گران مقابله خواهد کرد».

### جنبش کارگری آلمان در تقابل با ماستریخت

بیش از ۴۰۰،۰۰۰ تن از کارگران صنایع ماشین سازی، کشتی سازی و دیگر کارگران مهندسی و فلزکار در اعتراض به تصمیم دولت- کاهش حقوق دوران بیماری در روز ۳ آبان ماه دست به اعتصاب زدند. این اعتراض درست ۴۰ سال پس از روزهایی صورت می گیرد که کارگران آلمان غربی حق برخورداری از ۱۰۰ درصد دستمزد خود را در دوران بیماری بدست آورده بودند. در ماه گذشته قانونی به تصویب رسید که به موجب آن کارفرمایان مجاز هستند فقط ۸۰ درصد دستمزد کارگران را در دوران بیماری پرداخت کنند. کارگران کمپانی الکابل- کمپانی عظیم الکترونیک و ارتباطات به یک اعتصاب اختطاری دست زدند و تظاهرات در سه کمپانی بزرگ دیگر در استان بایرن چشم گیر بود.

کلاوس زدیکل، رهبر اتحادیه پر قدرت مهندسی و کارگران فلزکار IG Metal پس از شکست مذاکرات با دولت و کارفرمایان «یک روز بزرگ» اعتراضات را اعلام کرد. در مهرماه نیز پس از اینکه برخی شرکت ها تصمیم به اجرای قانون کاهش حقوق دوران بیماری گرفتند- موج اعتصابات که ۱۰۰،۰۰۰ کارگر در سراسر آلمان را شامل می شد براه افتاد. اختلال در امر تولید حادث از این اعتصاب میلیون ها دلار به کارخانجات بزرگ نظیر دایلمر- بنز صدمه زده است. و دایلمر بنز اعلام کرده است که تا زمان حصول موافقت با کارگران خود اجرای این قانون را به تعویق می اندازد. دلیل دولت برای این کاهش دستمزد پایین بودن سطح هزینه های تامین اجتماعی در جهت برآوردن پیش شرط های قراردادی ماستریخت می باشد. این اعتصابات درست بلافاصله پس از اعتراضات دامنه دار کارگران فرانسوی در اعتراض به سیاست های دولت

راست حاکم در فرانسه در اعمال شرایط مصوب قرارداد ماستریخت بود.

### پیروزی کمونیست ها در فرانسه

کمونیست های فرانسوی پیروزی پر اهمیت راجر مای کاندیدای خود را در انتخابات میان دوره ای روز ۲۹ مهرماه، در گاردان در مقابل کاندیدای حزب نژاد پرست جبهه ملی، جشن گرفتند. کاندیدای حزب کمونیست با کسب ۶۰/۳۲ درصد آراء در مقابل ۳۹/۶۸ درصد رای نماینده راست افراطی پیروز شد. در انتخابات قبلی در سال ۱۹۹۳ مبارزه بین نماینده حزب سوسیالیست و ائتلاف راست حاکم بود. هیچ کدام از آنها در این انتخابات به دور دوم نرسیدند. رفیق رابرت هیو، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه در سخنانی در رابطه با اهمیت این پیروزی به سه درس اشاره کرد:

«اولا- این یک پیروزی برای کمونیست ها در انتهای هفته ای است که به ویژه حزب کمونیست مورد حمله قرار داشته. و این شکستی برای آنهاست که فکر کردند می توانند نقطه نظرات عوام فریبانه لوپن (رهبر حزب جبهه ملی) را به شوخی بگیرند.

ثانیا- این تنها شکستی است برای راست افراطی، بلکه شکستی است برای راست و این یک اعتراضی است به سیاست های فاجعه بار اجتماعی نخست وزیر آلن ژوپه. سومین درس، ضرورت بسیج همه نیروهای چپ و آنانی که از دموکراسی و جمهوریت دفاع می کنند» نشان داد.

روزنامه اومانیته، ارگان حزب کمونیست فرانسه در سرمقاله ای اشاره کرد که رای دهندگان به کاندیداهای احزاب مدافع پیمان ماستریخت پشت کرده اند و از حزب سوسیالیست خواست که در موضع خود در رابطه با وحدت سیاسی- مالی اتحادیه اروپا تجدید نظر کند.

## جنگ قدرت در روسیه

شد. یلتسین آنان را فراخوانده است که تصمیمات کلیدی را در جمع این شورا اتخاذ کنند.

سخنگوی یلتسین، سرگئی یاسترژمبسکی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که یلتسین و سلزنیوف موافقت کرده اند که «این گروه ۴ نفره دایمی» منظمآ جلسه داشته باشند. او گفت «در اوضاع کنونی چنین جلساتی می توانند یک مکانیزم موثر برای جستجوی راه حل های مورد توافق درباره مهمترین مسایل باشند».

- در انتخابات استانداری منطقه کورسک، آلکساندر روتسکوی، از رهبران سرشناس مخالف یلتسین پیروز شد. پیروزی روتسکوی که در مقام معاون ریاست جمهور در سال ۱۹۹۳ رهبری جنبش مخالفان یلتسین را بدست گرفت. یکی از چندین مورد شکست طرفداران یلتسین در انتخابات استانداران مناطق مختلف بود. روتسکوی با ۷۹ درصد آراء در مقابل ۱۸ آراء واسیلی شوتیف نماینده یلتسین بود و او توانست یک کرسی در مجلس سنا بدست آورد.

لید لغو کرده بود. ویلیام پری به خبرنگاران گفت که او از «مشکلاتی که لید با دولت داشت» با خبر بوده است. برکناری لید- پرده از مانور یلتسین برای اعمال کنترل خود بر دولت، درست قبل از عمل جراحی قلب، بر می دارد. این حقیقتی است که یلتسین از تمایل لید برای کسب مقام ریاست جمهوری در آینده مطلع بود ولی به هیچ وجه آن را در جهت منافع و خواست های محافظان با نفوذ روسیه و نیز کشورهای غربی نمی دانست. برکناری لید ماهیت ائتلاف یلتسین - لید را که در دوران انتخابات ریاست جمهوری برای جلوگیری از پیروزی کاندیدای حزب کمونیست ایجاد شد را افشاء می کند.

• در روز ۳۰ مهرماه یلتسین در کوششی برای حفظ کنترل بر ساختارهای سیاسی کشور خواستار ملاقات بین دولت، کارگزاران کرملین، پارلمان و مجلس سنا شد. بر اساس فرمان یلتسین، از این پس جلسات منظم و برنامه ریزی شده ای بین ویکتور چرنومردین نخست وزیر، آناتولی چوبایس مشاور عمده یلتسین و از رهبران کرملین، گنادی سلزنیوف سخنگوی دوما و یگور استرویف سخنگوی شورای فدراسیون روسیه تشکیل خواهد

بحران همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روسیه در هفته های اخیر با تشدید درگیری بین جناح های مختلف دولت به اوج خود رسید. بوریس یلتسین در ۲۶ مهرماه با ظاهر شدن در یک برنامه تلویزیونی ویژه- الکساندر لید را متهم کرد که از اشتباهاتش درس نگرفته، به ایجاد درگیری با مقامات عالی رتبه پرداخته و از موقعیتش برای محکم کردن جای پایش در انتخابات ریاست جمهوری آینده استفاده کرده است.

یلتسین خطاب به مردم روسیه گفت که «نمی توان اجازه داد که این وضعیت ادامه پیدا کند. این غیر قابل قبول است». در روزهای قبل از اعلام برکناری لید درگیری های بین او و وزیر کشور به اوج خود رسیده بود و شایعه وقوع کودتا از هر دو طرف مطرح بود. برخی مفسران سیاسی این حقیقت را که هم زمان با این تحولات ویلیام پری، وزیر دفاع ایالات متحده در مسکو بوده است قابل توجه و اهمیت می دانند و اشاره می کنند که قبل از اینکه هیچگونه نشانه ای از خبر برکناری لید وجود داشته باشد، او جلسه ملاقات خود را با

## نقشه های گسترده برای نفت و گاز دریای خزر

### از افغانستان تا چین، طلای سیاه نبض جنگ است

کرده است.

#### \* راه ترکیه

این طرح خواهان وصل لوله نفتی از آذربایجان به بندر جیهان ترکیه از طریق عبور از شاخه شمالی که از گرجستان می گذرد می باشد. بازم هم مساله کردها مطرح است. به علاوه مسکو با استفاده از راه گرجستان مخالف است. ترکیه برای پیش برد طرح خود، به عنوان حمایت از محیط زیست، عبور کشتی های نفت کش از تنگه بسفر را محدود کرده و بر آنان مالیات بسته است.

#### \* طرح روسیه

نخست وزیر روسیه، جرنومردین اظهار داشت که در قرن بیستم همه چیز از باکو شروع شده است. البته نباید فراموش کنیم که او تا چندی پیش هنوز از کارگزاران اصلی شرکت نفت و گاز روسیه «گاز پروس» بوده است. موافقت نامه هایی که بین قزاقستان و آذربایجان به امضاء رسیده است تمایل به نزدیکی با روسیه را نشان می دهد. علی اوف، رئیس جمهور جدید که پس از کودتا به قدرت رسیده بر خلاف رئیس جمهوری سابق آذربایجان که متحد ترکیه بود موافق نزدیکی با روسیه است. طرح روسیه دو برابر کردن ظرفیت لوله های نفتی فعلی راه شمال آذربایجان با ادامه آن از طریق داغستان، دور زدن چین و سرانجام منتهی شدن به بندر نوروسیسک در دریای سیاه است. از آنجا، تا حد امکان برای عدم عبور از تنگه بسفر، نفتکش ها نفت را به بندر بورگاس در بلغارستان رسانده و از طریق راه نفتی بین بلغارستان و بندر الکساندر پولیس در یونان به دریای مدیترانه می رسانند. این راه که به راه بالکان معروف است با حمایت دولت صوفیه و رهبران یونان که خواهان کمک های مادی اروپا هستند، مواجه می باشد.

بگردان از اوامینته ۲۳ اکتبر

و کنترل این شاخه لوله های نفتی را بدست آورند. شاخه دیگر لوله های نفتی مستقیماً از طریق ارمنستان به دریای سیاه کشیده شده است و این راه برای آذربایجان غیر قابل قبول است و اختلاف این کشور با ارمنستان و حمایت آن از ارمنی های قره باغ آذربایجان این راه را غیر ممکن می سازد. راهی که از ایران می گذرد توسط آمریکا اکیداً ممنوع شده است. راه گرجستان هم با مخالفت حکومت مسکو مواجه می باشد. راه ترکیه هم از ایران عبور می کند و هم از مناطق ناامن کردنشین ترکیه می گذرد. متوجه می شویم در حالی که مساله نفت و راه های نفت بسوی غرب تنها دلیل مشکلات منطقه نیست، چرا مشتری های بالقوه یعنی قدرت های غربی عکس العمل مهمی در برابر سرکوب خلق های جبن و کرد توسط روسیه و ترکیه نشان نمی دهند.

اکنون راه های اصلی نفت دریای خزر را بررسی کنیم. راه نفت تا حدود زیادی دلیل ادامه جنگ در افغانستان هم می باشد.

#### \* راه کراچی

یکی از نمایندگان کمپانی نفتی آمریکایی اونوکال در فیکاروی ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۵ اظهار می کند که ما فقط ۳ میلیارد دلار برای ساختن لوله های گاز پیش بینی کرده ایم. هدف اصلی ما اضافه کردن لوله نفت در کنار این لوله گاز است. نقشه این راه اتصال نفت ترکمنستان به کراچی بزرگ ترین بندر پاکستان در دریای عمان، پس از عبور از خاک افغانستان است. قرارداد این پروژه در تاریخ ۳۱ اکتبر بین کمپانی آمریکایی و رهبران ترکمنستان امضا شد. همزمان گروه طالبان تسلط کامل خود را بر افغانستان طرح ریزی می کردند. گروه طالبان که توسط پاکستان، که بزرگ ترین برنده این قرارداد در صورت عبور لوله گاز و نفت از راه کراچی است، آموزش دیده و مسلح شده اند، می خواهند حکومت جهل را به سراسر افغانستان تحمیل کنند تا امنیت راه عبور تامین شود.

#### \* راه ایران

این راه از ترکمنستان و آذربایجان به سوی خلیج فارس سرازیر می شود و امکان صدور نفت را از آبادان به خارج می دهد. پروژه دیگری برای ایجاد لوله نفتی از باکو به تبریز و سپس به بندر جیهان در ترکیه، روبروی قسمت اشغال شده قبرس توسط ارتش آنکارا در دست مطالعه است. این پروژه حامل ریسک های بسیار است زیرا از مناطق کردنشین ترکیه می گذرد. علاوه بر آن ایالات متحده آمریکا با هرگونه پروژه ای که ایران در آن سهم داشته باشد مخالفت خود را اعلام

از هر گوشه جهان، قدرتمندان برای نفت دریای خزر دندان تیز کرده اند. نفت تنها دلیل ناآرامی منطقه نیست، ولی راه صدور نفت دریای خزر از عوامل اصلی کشمکش و تغییرات سیاسی خاورمیانه است.

چرا پاکستان به تحریک آمریکا از تسلط گروه طالبان بر افغانستان پشتیبانی می کند؟

چرا ترکیه کردها را سرکوب می کند، بدون آنکه غرب حکومت آن را محکوم کند؟

چرا روسیه چین را به خاک و خون می کشد و جامعه بین المللی عکس العملی نشان نمی دهد؟

پاسخ های بسیاری به این پرسش ها موجود است که اغلب در یک نقطه اشتراک دارند: نفت یا در واقع راه های صدور نفت.

کشورهای پیشرفته صنعتی برای اینکه تنها وابسته به نفت خلیج فارس نباشند - (نفتی که باعث جنگ امپریالیست ها علیه عراق در منطقه شد) - چشم به نفت دریای خزر دوخته اند. مخازن عظیم نفت و گاز در این منطقه نهفته است، که البته به اهمیت مخازن منطقه خلیج فارس نمی رسد ولی بهرحال میلیاردها تن نفت اشتباهی کمپانی های آمریکایی و دولت های منطقه را که می خواهند از این نمک کلاهی بدوزند، سخت تحریک کرده است.

برای اینکه نفت دریای خزر به خریداران اصلی آن یعنی کشورهای غربی و ژاپن برسد، باید از طریق لوله های نفتی (پایپ لاین) از کشورهای مختلفی عبور کند که هر کدام از آنان از این جهت حق انحصاری دریافت می کنند. فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل سه دولت مستقل آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان توازن نیروها را به کلی تغییر داده است. این کشورها می خواهند که مستقیماً از ثروت طبیعی خود استفاده کنند و دیگر سهمی به قدرت مرکزی قدرسیون نپردازند. بدین منظور بهترین راه صدور نفت کدام است؟ با چه کشوری باید همکاری کرد؟ چگونه باید امنیت حمل و نقل را در طولانی مدت تامین کرد؟ هنوز اقتصاد و استراتژی جغرافیایی پاسخ روشنی به این پرسش ها نداده اند؟

به طور مثال، آذربایجان که در حال حاضر صادر کننده مقدار کمی نفت است، در سپتامبر ۱۹۹۴ «قرارداد قرن» را برای استخراج گاز و نفت دریای خزر با شرکت های آمریکایی و انگلیسی بسته است. فرانسوی ها هم که از قافله عقب مانده اند وزیر خارجه خود را به سفر باکو فرستادند. با این اوصاف، اگر در سال های آینده میزان تولید افزایش یابد، مساله اساسی راه صدور نفت و گاز به خارج است. لوله های نفتی شمال آذربایجان از گزرونی پایتخت چین می گذرد. روس ها هم نتوانستند علی رغم جنگ خانمان برانداز جمهوری استقلال طلب چین را براندازند

کمک مالی به حزب توده ایران يك  
وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق از دست رفته «انور»

۶۰۰۰ شلینگ

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
**NAMEH MARDOM-NO:492**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran  
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

5 November 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse